

52,0,8



۱- ضار I - حاکم فعلی نرفته سو. در راه "استوار حاکم فعلی"

II - فرول ملغم.

III - حاکم انتہا، در رازیک مراد از این نیز حرام نواتم. که در انتہا، در رازیک انبازاں است

۱- موز : I - فرول سند کیسیج

II - فرول ملغم

۱- ص : I و آ استوار - صارت.

۱- کور : I : هم حاکم فعلی نرفته سو

II : در راه و حاکم فعلی در راه ۱ - صدم سو که انبازاں حاکم فعلی

III = فرول ملغم

۱- ص : I - حاکم فعلی که انبازاں استوار - صارت در رازیک و انتہا است. بنیاد اول - صارت و کم حرکت و واقع

II - فرول مصر کیسیج. لکن توفیق یا نفع را بطور شایسته و حقیقتی که فرول ملغم بنیاد است.

۱- کلمه : I - سوره صافات ۱۰۰ در تفسیر جهاک از حاکم حکمت است از حاکم الله به در ذکر است حکمت  
کلمه الله به در ذکر است ابزار احوال آیت . ذکر است گو .

II - در سوره صافات ۱۰۰ - حاکم الله به حکمت . کلمه الله به در ذکر است ابزار احوال آیت است

۱- کلمه : II - حاکم الله به در ذکر است و الله به حکمت

II - در ذکر است گو ۱۰۰ کلمه الله به در ذکر است ابزار احوال آیت . ذکر است گو

در ذکر است حکمت ذکر است گو . حاکم الله به در ذکر است حکمت

۱- کلمه : I - حاکم الله به در ذکر است گو ۱۰۰ ذکر است گو

II - در ذکر است گو

۱- کلمه : I - در ذکر است گو ۱۰۰ کلمه الله به در ذکر است ابزار احوال آیت

II - در ذکر است گو

۱- کلمه : I - کلمه الله به در ذکر است حکمت . ذکر است گو ۱۰۰ کلمه الله به

II - کلمه الله به در ذکر است حکمت . ذکر است گو ۱۰۰ کلمه الله به

در ذکر است گو ۱۰۰ کلمه الله به در ذکر است حکمت . ذکر است گو ۱۰۰ کلمه الله به

I - هو حاکم الله به در آیه خلق اول الله به در آیه اول

II - قول بلیغ نوشته شود. <sup>تجدید</sup> در هر مطلع آید و <sup>تجدید</sup> حاکم الله به در آیه اول به هر مطلع آید  
و در زیر نوشته شود حاکم الله به در آیه اول خلق  
و در آیه اول بلیغ را از قطع نام است.

III - بنده با بلیغ باشد به (هم) بیاید و در این نوشته شود اول به حضرت الله به در آیه اول

ر. نقی : I - حاکم الله به در آیه اول خلق. هر چه مطلع نوشته شود.  
و گفته در هم نام - تمام شد بلیغ بقیه حضرت در آیه اول الله به که هر چه در آیه اول الله به بر آید.

شهریاری ۱۳۲۰

ازام صبح با حضرت رفیق میرزا کریم ازام صبح ۱۳۶۴

ر. صادق : اول در آیه اول و الله به خلق و حاکم در آیه اول و الله به خلق (اول به بنده بلیغ عجم آید هم که)

و آیه اول در آیه اول

\* حاکم خلق که از آیه اول که اول الله به در آیه اول (مصدق حضرت و خلق بلیغ عجم آید هم که)

در آیه اول بلیغ را از قطع نام است.

\* در آیه اول و تو از آیه اول و قول بلیغ را از قطع نام است. (بهر روز بلیغ عجم آید هم که - حضرت - بلیغ عجم - بلیغ عجم)

\* قول بلیغ عجم (ما از - به روز - عجم - عجم - عجم - بلیغ عجم)

\* حاکم الله به خلق که از آیه اول که اول الله به در آیه اول



۲۴  
رام  
۵

در صورت سینه درد و تنگی نفس و در وقت خواب در آغوش برودن  
دانشگاه حاجی آقا محمد باقر در وقت خواب در آغوش برودن  
این مورد را در وقت خواب در آغوش برودن

در وقت خواب

در وقت خواب در آغوش برودن

آخرین مورد اول است

این حالت بر آن دارد که در وقت خواب در آغوش برودن  
بسیار طبع است و در وقت خواب در آغوش برودن  
در وقت خواب در آغوش برودن و این مورد را در وقت خواب  
در این حالت است که در وقت خواب

۶

کل داده است با اصلاح صدر و سینه  
با این حالت است که در وقت خواب  
در این حالت است که در وقت خواب

۷

تکرار می شود (تکرار می شود) در وقت خواب در آغوش برودن  
عیناً در وقت خواب در آغوش برودن و در وقت خواب  
تکرار می شود در وقت خواب در آغوش برودن  
در وقت خواب در آغوش برودن و در وقت خواب  
در وقت خواب در آغوش برودن و در وقت خواب

در روز قضاوت انچه در کتب در رد و فرائض آن از حدیث و روایات در دسترس است

~~کل عامه~~

سوم کار شماره ۲

۱) از قضاوت که بر آن لغو مصدوم است بر هر یک از طرفین که در آن اتفاق آراء است باید  
۱- هر بدل الله و تقسیم غلط را در نام  
با ۸ بار تواتر تکرار شود

کتاب آداب بار بار تکرار در کتب سنه

۱- هر چه در کتب علمیه است - کتب خواص و کتب معتبره - می باید سه در حدیث و روایت کتب معتبره بار بار  
تکرار شود که کتب معتبره است - در احوال و طهارت و نام - در بارگاه کبریا و جبرئیل و کلمه و باره چه که به طرز چه تکرار  
شده و مانع بختی است

۱- هر چه در کتب معتبره است در هر یک از کتب معتبره - سه در حدیث و روایت کتب معتبره بار بار

۱- هر چه در کتب معتبره است در هر یک از کتب معتبره - سه در حدیث و روایت کتب معتبره بار بار  
را بار بار تکرار و در هر یک از کتب معتبره - سه در حدیث و روایت کتب معتبره بار بار

۱- هر چه در کتب معتبره است در هر یک از کتب معتبره - سه در حدیث و روایت کتب معتبره بار بار

۱- هر چه در کتب معتبره است در هر یک از کتب معتبره - سه در حدیث و روایت کتب معتبره بار بار

۱- هر چه در کتب معتبره است در هر یک از کتب معتبره - سه در حدیث و روایت کتب معتبره بار بار

۱- هر چه در کتب معتبره است در هر یک از کتب معتبره - سه در حدیث و روایت کتب معتبره بار بار  
بدرستی که گفته در کتب معتبره - در هر یک از کتب معتبره - سه در حدیث و روایت کتب معتبره بار بار

۱- هر چه در کتب معتبره است در هر یک از کتب معتبره - سه در حدیث و روایت کتب معتبره بار بار

۱- هر چه در کتب معتبره است در هر یک از کتب معتبره - سه در حدیث و روایت کتب معتبره بار بار

۱- هر چه در کتب معتبره است در هر یک از کتب معتبره - سه در حدیث و روایت کتب معتبره بار بار





درابطه برصه افتد - با برصه برصه درین دم - به این سبب - در درکت - در این سبب

هستند از درکت - تقدره تقصیر است - غیرت را - پیوند ندارد - ~~در~~

درابطه صبر نیز صبر است در این سبب - در این سبب - در این سبب - در این سبب

در کتب هند است سوان

در کتب هند است سوان - در کتب هند است سوان - در کتب هند است سوان - در کتب هند است سوان  
تفاتی صفت دارد که در این سبب - درابطه تقدره - در این سبب - در این سبب - در این سبب  
درابطه برصه - در این سبب - در این سبب - در این سبب - در این سبب

درابطه برصه - در این سبب - در این سبب - در این سبب - در این سبب

در کتب هند است سوان - در کتب هند است سوان - در کتب هند است سوان - در کتب هند است سوان  
درابطه برصه - در این سبب - در این سبب - در این سبب - در این سبب  
درابطه برصه - در این سبب - در این سبب - در این سبب - در این سبب

درابطه برصه - در این سبب - در این سبب - در این سبب - در این سبب

درابطه برصه - در این سبب - در این سبب - در این سبب - در این سبب

درابطه برصه - در این سبب - در این سبب - در این سبب - در این سبب

درابطه برصه - در این سبب - در این سبب - در این سبب - در این سبب

درابطه برصه - در این سبب - در این سبب - در این سبب - در این سبب

درابطه برصه - در این سبب - در این سبب - در این سبب - در این سبب





در مجسمه و خوشحالی که گویا به نیتش بر سر او برین بود - در مجمع شکر و سپردن را غرضت با طبع است و در عالم  
نگرانی بی درنگی نگار بود - دو اسب است که در راه بهنگام زهرت گذر - در این صحنه افکار و فکرها در دست  
از دست در فکرها نیز خوشی است .

در عالم : در در طب و در بعضی معنی مجرب است - خوشحالی است که در این برهه در سطح برانند از دست آمدن - از دست طبع برانند  
تا در وضع بدی است که نموده است - در راه و اعطای در این امر است که نموده است - از دست که گماند که در این بدی است که  
نموده است . کفیر در این صحنه که فکرها در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که

محمدی ! کب در طبع از این است و آنچه در این طبع است - از لفظ سخن در عمل تو نیز صفت افتد -  
رفعه و در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که

در صحنه و در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که  
بسیار است که در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که

در صحنه : ما به این است که در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که  
و این است که در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که

④ رفقه که با طبع است که در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که  
با طبع است که در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که در این صحنه است که